

تبیین رابطه دو سویه تقوا و ارتباط کلامی - گفتاری از منظر قرآن کریم

زینب السادات حسینی^۱

چکیده

تقوا ملکه‌ای نفسانی است که به عملکرد انسان جهت و اعتبار خاصی می‌بخشد. از میان کارکردهای تقوا، تقوای زبانی و گفتاری در ارتباط‌های کلامی است که چگونگی رابطه تقوا با آن با توجه به آیاتی که در آنها تقوا با فرازهایی از بایسته‌های اخلاقی گفتاری هم‌نشین شده است، مسئله این تحقیق است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد کتابخانه‌ای به بررسی آن پرداخته و به این نتایج دست یافت که تقوا که خود برآیند و حاصل ایمان، اعمال صالح و اخلاق نیک است با ارتباط‌های کلامی رابطه دوسویه دارد بدین معنا که از یکسو تقوا موجب اصلاح و کنترل پیام، جهت‌دهنده اهداف ارتباطی، متمرکزکننده افکار و ادراک منجر به رفتار و موجب جلب اعتماد مخاطب شده و از سوی دیگر ارتباطات کلامی گفتاری تقویت‌کننده مجرای تحقق تقوا و زمینه‌ساختی تقوا می‌گردد.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، تقوا، ارتباط کلامی گفتاری، رابطه دوسویه تقوا و ارتباط کلامی.

z.hosseini@umz.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۲۰

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران.

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۱۵

طرح مسئله

ارتباط کلامی، تعیین‌کننده قطعی حدود ظرفیت انسان برای مقابله با سرخوردگی‌ها و مشکلاتی است که در زندگی روزمره پدید می‌آید. به زبان صریح‌تر و رسمی‌تر، ارتباط کلامی به این دلیل مهم است که یکی از ابزارهای کارساز بشر برای کنترل و درک محیط خویش و تأثیر در آن به‌شمار می‌رود. از این‌رو ارتباط کلامی، یکی از ابزارهای اولیه‌ای است که انسان برای تأثیر در محیط و کنترل و درک آن به کار می‌برد. به علاوه، حداقل در مورد بیشتر افراد، مهارت در کاربرد کلام گفتاری، یکی از ابزارهای عمده افزایش پاداش‌ها و کاهش تنبیهاتی است که از محیط به‌دست می‌آید. (میلر، ۱۳۸۵: ۱۸)

از سوی دیگر، در ادبیات دینی - قرآنی، تقوا امری درونی شناخته شده که انسان به‌وسیله آن، به کنترل درونی خویش می‌پردازد. تقوا در قالب کنترل‌کننده درونی و ارتباطات کلامی به‌منزله ابزار کنترل محیط پیرامونی، با هم ارتباطات مؤثری دارند. مسئله خیر و شر و فضیلت و رذیلت در ملکه نفسانی مربوط به زبان و بحث از آفت‌های زبان از مباحث مهم دانشمندان اخلاق است و آنها با توجه به آیات و روایات، حدود ۲۰ آفت و گناه کبیره برای این عضو کوچک و حساس برشمرده‌اند. (رک: غزالی، بی‌تا: ۳ / ۱۵۶ - ۱۰۹؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۵ / ۳۹۵ - ۲۷۳، چهارمین کتاب از بخش مهلکات) در فرهنگ اسلامی بر پایه آموزه‌های قرآنی و روایی، نسبت بین تقوا و ارتباطات کلامی، محور توجه قرار گرفته است. همشینی تقوا در آیات قرآن کریم با مصادیق ارتباط گفتاری (وفای به عهد، صداقت در گفتار، ذکر خداوند، به‌سخریه نگرفتن دیگران، املائی معامله به‌دست مدیون، استغفار زبانی دائمی برای خود و دیگران، شکرگزاری زبانی، گفتار سدید، خاضعانه سخن نگفتن زنان، آهسته سخن گفتن نزد رسول ﷺ) توجه را به این مسئله برمی‌انگیزاند که تقوای در گفتار، موجب تنظیم و اصلاح رفتارهای کلامی شده، عامل مهمی در شکل‌گیری ارتباط سالم در جامعه است. از این‌رو در این مقاله سعی کرده‌ایم با رویکردی تحلیلی، به تبیین رابطه دوسویه تقوا و ارتباطات کلامی - گفتاری^۱ بپردازیم.

البته مسئله ارتباط تقوا با اخلاقیات، تنها در مقاله‌ای با عنوان «مقتضیات اخلاقی تقوا در آینه قرآن و سنت» نوشته سید محمدصادق حسینی سرشت (۱۳۸۸) بررسی شده است؛ اما در این مقاله، مقتضیات

۱. از آنجاکه گونه‌های ارتباط کلامی در چهار گونه گفتاری، خوانداری، نوشتاری و شنیداری تقسیم می‌شود، اضافه کردن واژه گفتاری به عبارت ارتباطات کلامی، بر تمرکز مسئله این مقاله بر ارتباطات گفتاری تأکید دارد. علت این انتخاب آن است که قرآن کریم بر نقش گفتاری و بیانگری زبان، بیش از وظایف دیگر این عضو تأکید دارد؛ زیرا در اولین آیات نازل شده پس از یادکرد آفرینش انسان، آموزش زبان و بیان را یادآور می‌شود. (الرحمن / ۴ - ۱) چگونگی گفتار در واقع ریشه در شاکله انسان دارد؛ (اسراء / ۸۴) اما خداوند در قرآن کریم جهت راهنمایی انسان در ارتباط او با دیگران، اقسام ارتباط کلامی را که باید رعایت گردد؛ یا باید از آنها اجتناب شود، با تأکید بر ارتباط آنها با تقوا بیان کرده است.

تبیین رابطه دو سویه تقوا و ارتباط کلامی - گفتاری از منظر قرآن کریم □ ۱۳۹

اخلاقی تقوا به طور کلی - نه صرفاً درباره ارتباطات کلامی - بررسی شده و ارتباط تقوا با اخلاقیات نیز به طور یکسویه - نه تأثیر متقابل آنها - بیان شده است. بنابراین مقاله حاضر از جهت بررسی مسئله تحقیق با چنین رویکرد قرآنی، نو و ابتکاری است.

ضرورت این تحقیق در آن است که اصلاح و تهذیب گفتار و پرورش ملکات گفتار نیکو در الگوهای فرزندپروری و رشد اخلاقی انسان‌ها و آموزش اخلاقی منابع انسانی در سازمان‌ها اهمیت فراوانی دارد. بر این اساس، در صورت اثبات فرضیه می‌توان عنصر مهمی را در الگوهای آموزشی اخلاق محور قرار داد.

الف) ارتباطات کلامی

اهمیت ارتباطات کلامی از دیرباز بوده است؛ اما با توجه به تحولات دهه‌های اخیر در حوزه‌های علمی، دینی، فرهنگی و اجتماعی که زمینه مناسب را برای فروپاشی مرزهای فیزیکی و غیر فیزیکی و در نتیجه رشد و گسترش ارتباطات انسانی در سراسر جهان فراهم ساخت، به راحتی می‌توان گفت در دنیای امروز - که آن را «دنیای ارتباطات» نام نهاده‌اند - اکثر فعالیت‌های انسان‌ها با یکدیگر بر محور ارتباطات شکل می‌گیرد و نقش اصلی در آن را ارتباطات کلامی، به‌ویژه ارتباطات کلامی میان فردی به خود اختصاص داده است؛ به طوری که براساس تحقیقی که رالف نیکولز و لئونارد استیونس انجام داده‌اند، بیشتر وقت انسان‌ها در ارتباطات، صرف ارتباطات گفتاری می‌شود تا ارتباطات نوشتاری. گوش دادن، ۴۲ درصد از وقت روزانه، سخن گفتن، ۳۲ درصد از وقت روزانه (جمعاً، ۷۴ درصد)، خواندن، ۱۵ درصد از وقت روزانه و نوشتن، ۱۱ درصد از وقت روزانه (جمعاً ۲۶ درصد). (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۳) حال از آنجا که هر نوع رفتار خاص انسان از جمله ارتباطات کلامی، در واقع از خُلق و خو و شاکله وی نشئت می‌گیرد، به این ترتیب دارای شاکله‌ها می‌باشد (اسراء / ۸۴) (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱۳ / ۱۹۰ - ۱۸۹) که در مجموع اخلاقیات وی را تشکیل می‌دهند.

ب) تقوا

تقوا از محوری‌ترین آموزه‌های قرآنی و مهم‌ترین فضیلت اخلاقی، انسانی و دینی و یگانه معیار برای ارزیابی عملکرد انسان‌ها از منظر قرآن است. از این‌رو در مکتب ارزشی اسلام، وسیله دستیابی به رستگاری و فوز و فلاح معرفی شده است. در تفاسیر و کتب مرتبط، مطالعات بسیاری در این باره انجام شده که گزارش و بررسی آن از حد این مقاله بیرون است. در ادامه، با ذکر چند تعریف، ماهیت آن بررسی می‌شود:

تقوا و ورع عبارت است از انجام همیشگی اعمال شایسته، بدون کوتاهی و سستی.

(غیاثی کرمانی، ۱۳۸۷: ۸۸)

تقوا عبارت است از انجام واجبها و ترک حرامها. (رازی ۱۴۲۱: ۵ / ۱۶۷)

استاد مطهری می‌گوید: تقوای دینی و الهی، یعنی اینکه انسان خود را از آنچه از نظر دین و اصولی که دین در زندگی معین کرده و خطا و گناه و پلیدی و زشتی شناخته شده است، حفظ و صیانت کند و مرتکب آنها نشود. سپس ایشان بیان می‌کند که حفظ و صیانت به دو صورت ممکن است: نوع اول تقوایی که ضعف است؛ اما نوع دوم قوت است و آن اینکه انسان در روح خود، حالت و قوتی به وجود می‌آورد که به او مصونیت روحی و اخلاقی می‌دهد که اگر فرضاً در محیطی قرار بگیرد که زمینه‌های گناه و معصیت فراهم باشد، آن حالت و ملکه روحی، او را حفظ می‌کند و مانع آلودگی او می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۴ - ۲۳)

استاد جوادی آملی تقوا را ملکه‌ای نفسانی دانسته که از راه تمرین در اعمال صالح پدید می‌آید. (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۲ / ۳۷۱؛ ۱۲ / ۵۶۶) از نظر ایشان در فرهنگ قرآن کریم، متقی کسی است که با ایمان و عمل صالح، برای خود ملکه‌ای نفسانی فراهم سازد تا او را از آسیب‌های درونی (هوای نفس) و بیرونی (شیطان) مصون دارد. (همان: ۲ / ۱۳۲)

با تعریف‌های سوم و چهارم که به‌طور جامع و مانع بیان شده‌اند، نقصان تعریف‌های اول و دوم روشن می‌شود؛ چراکه تعریف خواجه طوسی و رازی در واقع ناظر به لوازم تقوا هستند، نه ماهیت تقوا؛ زیرا در آنها لوازم تقوا به جای خود آن اتخاذ شده‌اند. به عبارت دیگر، در این تعاریف، مسبب به جای سبب ذکر شده است.

بنابراین تقوای الهی به‌طور مطلق، ملکه‌ای نفسانی است که باعث خویشتن‌داری از عوامل هلاکت درون و بیرون می‌شود و از طریق ایمان و اطاعتِ اوامر خدا و ترک نواهی او (عمل صالح) و اخلاق نیکو به دست می‌آید. این تعریف به معنای لغوی تقوا نزدیک‌تر است؛ زیرا نشان می‌دهد که برخی امور هراس‌انگیز درونی و بیرونی وجود دارند که باید از آنها اجتناب کرد (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱ / ۴۴۹؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۳ / ۱۸۶) و با بیان شیوه دستیابی بدان (از طریق ایمان و ...)، نه صرف عمل صالح بدون ایمان، دو معنای «اتخاذ» و «طلب» - که از معانی باب افتعال‌اند (شرتونی، ۱۳۷۲: ۴ / ۴۴) و تنها این دو معنا در آیات کاربرد داشته‌اند و تقوا نیز اسم مصدر واژه «اتقا»، یعنی مصدر باب افتعال است (فیومی، ۱۴۱۴: ۲ / ۶۶۹؛ فیروزآبادی، ۱۹۹۸: ۱۳۴۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۲۶: ۱۵ / ۴۰۲) - در آن لحاظ شده است.

بر مبنای اینکه رفتار ارتباطی انسان را چهار گونه دانسته‌اند: قدسی یا ارتباط با خداوند، درون‌شخصی یا ارتباط با خود، بین‌شخصی یا ارتباط با دیگر انسان‌ها و برون‌شخصی یا ارتباط با طبیعت، (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۵ الف: ۶۶ - ۶۱؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۶۸۹ - ۶۶۷) اگرچه تقوا ماهیتاً گونه‌ای رفتار ارتباطی قدسی و مربوط به ارتباط انسان با خدا است، از آنجا که زیست متقیانه، همه شئون انسانی را فرا می‌گیرد، تقوا در گونه‌های مختلف رفتار ارتباطی متجلی می‌شود. گونه‌ای از رفتار ارتباطی، ارتباط کلامی است که انسان به‌وسیله زبان و سخن گفتن ایجاد می‌کند و این می‌تواند ارتباط درون‌شخصی (حدیث نفس) باشد؛ مثل کسی که جلوی آینه قرار گرفته است و با خود سخن می‌گوید. ارتباط کلامی می‌تواند ارتباط قدسی و با خداوند باشد؛ مثل مناجات و دعای انسان، یا اینکه با دیگر انسان‌ها باشد - اعم از خانواده، دانشجو و دیگر هموعان که بیشتر از موارد دیگر است - و یا اینکه برون‌شخصی باشد، مثلاً با حیوانات. از بین موارد یاد شده، ارتباط کلامی در برخی از مشاغل مثل معلمی، نقش بسیار مؤثری دارد؛ زیرا ارتباط کلامی، مهم‌ترین رکن تعلیم و تربیت است. بنابراین انسان باید در ارتباط کلامی هم به‌لحاظ محتوا و هم به‌لحاظ اسلوب، آن را مدیریت کند (خودمدیریتی)؛^۱ چنان‌که کتبی مثل *جواهر البلاغة* آدابی را جهت هنرنمایی و سخنوری از جهت اسلوب سخن بیان نموده‌اند؛ اما مدیریت سخن به‌لحاظ محتوا، مستلزم «شناخت همه عناصر مؤثر در گفتار روا و سخن ناروا و توانایی مهار موانع، تقویت عوامل و زمینه‌ها و هدایت فرایندهای گفتاری است». (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۵ ب: ۱۴۷) لذا در این پژوهش، عناصر مؤثر در گفتار روا از منظر قرآن که با تقوا رابطه دارند، بیان می‌گردد تا با تقویت و ممارست گونه‌های ایجابی و اجتناب از موارد ناروا، هر یک به‌صورت ملکه نفسانی درآمده، جزء خلق انسان شوند. همچنین به تأثیرهای زمینه‌ای ارتباط کلامی - گفتاری بر تقویت فرایند خودمدیریتی نیز اشاره خواهد شد.

ج) ویژگی‌های تقوا

۱. تشکیکی بودن تقوا

یکی از خصوصیات تقوا، تشکیکی و دارای مراتب و درجات بودن آن است؛ زیرا طبق آیه ۱۷۷ بقره: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا * وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ * أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا * وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»، تقوا برآیند ایمان و اعتقاد، اعمال صالح و اخلاق

1. Self Management.

نیک است که انسان با ظهور اعمال مؤمنانه خود، آن را به ظهور می‌رساند. از طرفی، هر سه مؤلفه می‌توانند دارای شدت و ضعف باشند؛ چنان‌که طبق آیه ۲ انفال، ایمان دارای درجات و مراتبی است. پیامبر ﷺ درباره آیه ۱۷۷ سوره بقره فرمود: «مَنْ عَمِلَ بِهَذِهِ الْآيَةِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۶ / ۳۴۶) که این ناظر به مرحله کمال ایمان است؛ چراکه در این آیه، مسائل اعتقادی، عملی و اخلاقی، هر سه بیان شده است.

۲. ساخت‌مند بودن تقوا

تقوا در قالب یک ملکه نفسانی و حقیقت واحد، دارای خصوصیت دیگری نیز هست و آن اینکه دارای انواع است. کسی که در همه ساخت‌های رفتاری، گفتاری، اجتماعی، اقتصادی و مالی، خانوادگی و ... دارای ملکه تقوا باشد، از تقوای مطلق بهره‌مند است که در این صورت، تقوای مطلق در هر کاری، اثر خاص خود را دارد. از آنجا که تقوا بدون عقل به وجود نمی‌آید - هرچند خداوند همه را به والاترین مرتبه آن فراخوانده است (آل عمران / ۱۰۲) - بهره‌مندی و درجات افراد با تقوا به تناسب بهره‌مندی آنان از عقل، متفاوت خواهد بود و تنها انسان‌های لیبیب، از والاترین درجات آن بهره می‌برند؛ (بقره / ۱۹۷) اما اگر کسی در همه ساخت‌ها از تقوا بهره‌ای نبرده باشد، تقوای او متجزی است و در موردی که وجود ندارد، حکم و اثری هم ندارد. بنابراین در خصوص تقوای کلامی - گفتاری که خود دارای ابعاد و گونه‌هایی است، هر کسی ممکن است از برخی جنبه‌ها دارای تقوا باشد؛ هرچند هر یک از آنها در واقع گامی به سوی تقوا و کمال مطلق می‌باشند.

بررسی آیاتی که ماده تقوا در آنها به کار رفته و آن نیز هم‌نشین فرارز دیگری از آیه درباره گفتار اخلاقی شده است، نشان می‌دهد بین این دو، رابطه و پیوند علی وجود دارد؛ البته نه به معنای تام آن؛ بلکه پیوند علی معدّ. همچنین این پیوند یک‌طرفه نیست؛ زیرا تقوا مراتب مختلفی دارد و از طرف دیگر، گفتار نیکو نیز دارای مراتب است و مرتبه‌ای از تقوا، باعث گفتار نیک می‌شود و پایداری در گفتار نیک و دستیابی به مراتب بالاتر گفتار نیک یا ملکه نفسانی کردن گفتار نیک و خودداری از گفتار ناروا، سبب افزایش تقوا می‌شود.

بررسی تفاسیر نشان می‌دهد هیچ‌یک از آنها به این پیوند دوسویه و علی - معلولی تقوا و ارتباط کلامی توجه نداشته‌اند و تنها در برخی تفاسیر به رابطه یک‌سویه آنها اشاره شده است. این در حالی است که برخی مفسران همچون فرآء (م. ۲۰۷ ق) در معانی القرآن، (بی‌تا: ۱ / ۱۰۴) طبری (م. ۳۱۰ ق)، (۱۴۱۲: ۶۰ / ۲ / ۳۸ / ۲۲) سمرقندی (م. ۳۷۳ ق)، (۱۴۱۴: ۱ / ۱۱۷ / ۳ / ۷۶) بیضاوی (م. ۶۸۱ / ۶۸۵ ق)،

تبیین رابطه دو سویه تقوا و ارتباط کلامی - گفتاری از منظر قرآن کریم □ ۱۴۳

(۱۴۱۸: ۱ / ۱۲۲؛ ۴ / ۲۳۹) ابوالمحاسن حسین جرجانی (زنده در ۷۲۲ ق)، (۱۳۳۷: ۱ / ۲۰۸؛ ۸ / ۲۹) قرطبی انصاری (م. ۷۶۱ ق)، (۱۴۲۷: ۲ / ۲۴۳؛ ۱۴ / ۲۵۳) خطیب (م. ۱۳۶۴ ق)، (بی تا: ۱ / ۱۹۳؛ ۱۱ / ۷۶۰) ملاحویش آل غازی، (۱۳۸۲: ۵ / ۱۲۰؛ ۵ / ۴۹۷) طیب (م. ۱۴۱۱ ق)، (۱۳۷۸: ۲ / ۳۱۳؛ ۱۰ / ۵۳۵) و وهبه زحیلی (م. ۲۰۱۵ م) (۱۴۱۸: ۲۲ / ۱۲۳) در تفسیر آیه ۷۰ احزاب و نیز ابن عاشور (م. ۱۳۹۳ ق) در تفسیر آیه ۱۷۷ سوره بقره و آیه ۹ سوره نساء (۱۳۸۴ ق: ۲ / ۱۳۱ و ۴ / ۴۲) حتی به رابطه یک سویه نیز نظر نداشته‌اند. در ادامه سعی شده است با رویکردی تحلیلی، برخی از تأثیرات دوسویه تقوا بر ارتباط کلامی - گفتاری و نیز عکس آن را بررسی کنیم.

د) گونه‌های همنشینی تقوا و ارتباط کلامی در آیات قرآنی

تقوا همان‌طور که خود حاصل عقل است، (بقره / ۱۹۷) در خصوص ایجاد ارتباط کلامی اثربخش و کارا نیز نیاز به مصالح عقلی دارد؛ اما عقل توانایی تشخیص خیر و نیک بودن همه اخلاقیات و گفتارهای تقوادرانه و به تعبیر قرآن «بر» را ندارد؛ زیرا برخی امور خیر، حتی راست‌گویی برای همگان و همیشه بر نیست؛ بلکه گاه بر اثر تغییر شرایط و اوضاع، مصالح نیز دگرگون و دارای ضرر و مفسده می‌شوند. بنابراین دلیل نقلی معتبر باید آن را بیان کند. بر همین اساس، گونه‌های ارتباط گفتاری همنشین تقوا را در قرآن کریم برمی‌رسیم:

۱. وفای به عهد و تقوا: «عهد» التزام خاص در برابر خداوند یا دیگران است و به جهت اهمیت و حرمت خاص آن، قرآن آن را جزء صفات متقین برشمرده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا... وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ». (بقره / ۱۷۷) عهد از جمله ارتباط‌های کلامی است که شامل ارتباط قدسی با خالق در قالب دعا و مناجات، عهد گفتاری مثل نذر و قسم (نحل / ۹۱) و عهد با دیگران می‌شود. انجام عهدهای گفتاری در ارتباط فرد با خدا و همنوعان، مثل معاملات و عقود تجاری، (مائده / ۱) تعهدات دینی به پیامبر ﷺ، (احزاب / ۲۳) عهدهای اخلاقی همچون انجام به وعده‌ها و خلف وعده نکردن، (آل عمران / ۷۶؛ اسراء / ۳۴) بیشتر به شدت و ضعف تقوا بستگی دارد. خداوند به جهت تأکید بر وفا به عهد بین شخصی و ترغیب به تقوایی، از انسان درباره آن سؤال می‌کند؛ (بقره / ۱۷۷؛ اسراء / ۳۴) هرچند اصل آن از مباحث بوده، کسی درباره اصل آن سؤال نیست.

۲. صداقت در گفتار و تقوا: صداقت در گفتار، یکی دیگر از صفات اخلاقی مورد نیاز و تأثیرگذار در ارتباط کلامی - گفتاری با خداوند و نیز دیگران است که آیه با سبک تحریضی در جهت تشدید و ارتقای تقوا بدان توصیه کرده است: «... أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ». (بقره / ۱۷۷) البته صدق

کلامی - گفتاری یکی از مصادیق صدق جامع یاد شده در این آیه و نیز آیات ۱۱۹ سوره توبه، ۵۴ سوره مریم و... است که به‌طور مطلق بیان شده‌اند و قابلیت صدق و کذب ندارند؛ اما صدق مصطلح کلامی - گفتاری که یکی از مصادیق آن است، در مقابل کذب بوده، قابلیت صدق و کذب را دارد.

۳. ذکر خداوند و تقوا: در قرآن، ذکر زبانی و تقوا در کنار هم بیان شده است: «وَأذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا أَثْمَرَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلَا أَثْمَرَ عَلَيْهِ لِمَنْ آتَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (بقره / ۲۰۳؛ نیز: حج / ۲۸) و در آیاتی نیز به ذکر کثیر و ذکر خدا در صبح و شام (احزاب / ۲۱ و ۴۱؛ انسان / ۲۵) توصیه شده است.

۴. به سخریه نگرفتن دیگران با چشم‌داشت به آخرت و تقوا: «زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقُوا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ». (بقره / ۲۱۲؛ نیز: حجرات / ۱۱) قرآن با نشان دادن جایگاه برتر اخروی، به خویش‌داری و تقوا و اجتناب از گفتار ناروا تحریض می‌نماید. (نساء / ۷۷)

۵. املائی معامله به‌دست مدیون و تقوا: اهتمام اسلام به حق مالی مردم (مائده / ۱۰۸ - ۱۰۶) به گونه‌ای است که قرآن با حکم ارشادی توصیه نموده که برای دستیابی بدهکار و مدیون به تقوای گفتاری هنگام معامله، خود بدهکار قرارداد را به کاتب املا نماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَلَّيْتُمْ بَدِينٍ إِلَىٰ آجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا...» (بقره / ۲۸۲) که این امر با توجه به مسئولیت خطیر مدیون و نقش محوری او در معامله، نشان از اهتمام اسلام به تقوایی‌نگی در روابط بین‌شخصی بدهکار با طلبکار دارد؛ زیرا این فراز از آیه، جهت تأکید بر املائی معامله به‌دست مدیون، به صورت موصولی: «الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ» بیان شده و سپس با جمله امری: «وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ» بدهکار را به حفظ حرمت حریم حق فراخوانده است.

۶. تقوا و گفتار سدید: آیه ۷۰ احزاب قول سدید را از پیامدهای تقوا شمرده است. قول در مفهوم جامع، شامل ساحت‌های مختلف انسان اعم از گفتار و کردار و... می‌شود؛ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۸۹ - ۶۸۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۲۶: ۱۱ / ۵۷۳ - ۵۷۲؛ قرشی، ۱۳۵۲: ۶ / ۴۶ - ۴۵) اما مقصود در اینجا، گفتار لفظی است که در ارتباط کلامی به کار می‌آید. قول سدید را با توجه به وجه ظاهر آن می‌توان سخن استوار دانست.

۷. عدالت در گفتار و تقوا: عدالت‌ورزی از جمله رفتارهای ارتباطی انسان است که بیش از ارتباط شخص با خود، در ارتباط‌های اجتماعی وی معنا و مفهوم می‌یابد. اهمیت آن از منظر قرآن به گونه‌ای

است که نزدیک‌ترین رفتار ارتباطی به تقوا معرفی شده است؛ (مائده / ۸) در صورتی که شخص در بیان و ادای هر سخن حقی، حتی تحت تأثیر عاطفه قرابت و خویشاوندی قرار نگیرد: «... وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ...». (انعام / ۱۵۲) از این رو گفتار عادلانه و به اندازه، نهمین اصل - ذکر شده در آیات ۱۵۱ تا ۱۵۳ - از منشور اخلاقی بین پیامبران و امت‌ها بیان شده تا انسان برای دستیابی به تقوا به اقامه آن بپردازد: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». (انعام / ۱۵۳) بنابراین در ارتباطات کلامی با دیگران، اعم از سخن گفتن، گزارش، داوری، شهادت، مدح و قدح، امر به معروف و نهی از منکر و ... باید عدالت پیشه نمود.

۸. تقوا و خاضعانه سخن نگفتن زنان: زنان مسلمان حتی همسران پیامبر ﷺ در ارتباط گفتاری با مردان نباید با خضوع سخن بگویند: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا». (احزاب / ۳۲) «خضوع در مورد زنان، به نر می سخن گفتن است»؛ (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳ / ۷۷) بلکه زنان به خصوص آنها که منسوب به خاندان وحی‌اند، باید با غیر محارم، سخن معمول و معروف بگویند؛ سخنی که شرع و عرف اسلامی، آن را می‌پسندد و باعث طمع بیماردلان در انحراف آنان نمی‌شود. پس تقوا علاوه بر تأثیر در گفتار، از جهات مختلفی مانند به اندازه سخن گفتن، در چگونگی و حالت سخن گو هم تأثیر دارد.

۹. تقوا و آهسته سخن گفتن نزد رسول ﷺ: از پیامدهای تقوا در ارتباط کلامی، آهسته سخن گفتن با پیامبر یا در حضور او است: «إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ»؛ (حجرات / ۳) زیرا بلند کردن صدا هنگام سخن با دیگران یا در جمع و در حضور دیگران، از جهت عرفی پسندیده نیست؛ تا برسد به اینکه مخاطب، شخص بزرگواری چون پیامبر یا در حضور او باشد که نشان از بی ادبی سخن گو یا توهین به آن حضرت است. (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۴: ۹ / ۱۹۴) لذا خداوند برای دستیابی به تقوا می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ، بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ». (حجرات / ۲) پس مسلمانان باید با تمرین و ممارست در آهسته سخن گفتن با پیامبر یا در حضور ایشان و در ارتباط با دیگران، از این اسائه ادب پرهیز کنند تا مانند تقوایی‌گانی که صدای خود را نزد رسول کوتاه می‌کنند، خداوند قلب‌هایشان را برای تقوا خالص نماید و مشمول مغفرت و اجر عظیم گردند. پس تقوا در چگونگی و حالت سخن گو هم تأثیر دارد.

۱۰. تقوا و اجتناب از غیبت: غیبت، سخن گفتن از عیوب مسلمانان است که خداوند با توجه به پیامدهای بد آن، از جهت تخریب روابط بین افراد در جامعه، حتی آن را به خوردن گوشت مرده برادر

تشبیه کرده است: «أُيْحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ». (حجرات / ۱۲) زیرا با غیبت، هویت و شخصیت اجتماعی افراد از بین می‌رود و انتظاری که از ارتباطات اجتماعی می‌رود، فراهم نمی‌شود.

۱۱. تقوا و تناجی به برّ و تقوا: «کلمه نجوا، مصدر و به معنای تناجی، یعنی با یکدیگر بیخ‌گوشی سخن گفتن است». (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱۹ / ۲۱۱) در روایات از تناجی در جمع نهی شده است؛ زیرا موجب بدگمانی و سوءظن دیگران به شخص نجواکننده می‌شود؛ اما از تقابل تقوا با اثم در آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»، (مجادله / ۹) به دست می‌آید که اگر تناجی و سخن بیخ‌گوشی با دیگران و درباره دیگران، از سر برّ و خیرخواهی و تقوا، نه دشمنی و اثم باشد، بلامانع است.

۱۲. تقوا و اجتناب از گفتار لغو و تکذیب یکدیگر در بهشت: «سخن لغو، سخنی است که بدون فکر و اندیشه بیان شود». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۴۲) تقوا باعث می‌شود که سخن بهشتیان، حق و صادق و مطابق با واقع و دارای اثربخشی باشد: «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا * حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا * وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ... لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدَابًا» (نبا / ۳۵ - ۳۱) که این نوع ارتباط گفتاری بهشتیان هم در مورد ارتباط قدسی آنان با خداوند و هم با دیگر بهشتیان کاربرد دارد.

ه) تقوا و قول سدید

«قول» از جهت لغوی دارای ابعاد مختلف است و در مفهوم جامع، شامل ساحت‌های مختلف انسان - اعم از گفتار و کردار و ... - می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۸۹ - ۶۸۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۲۶: ۱۱ / ۵۷۳ - ۵۷۲؛ قرشی، ۱۳۵۲: ۶ / ۴۶ - ۴۵) در اینجا یکی از ساحت‌های قول که گفتار لفظی است (ابزار مافی الضمیر با سخن و گفتار) مورد نظر است. اهمیت آن از این جهت است که طبق فرموده پیامبر: «لَا يَسْتَقِيمُ إِيمَانُ عَبْدٍ حَتَّىٰ يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ، وَلَا يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّىٰ يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ»؛ (ورام، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۰۵) استقامت ایمان بندگان، منوط به استقامت قلب و زبانشان است یا: «إِنَّ أَكْثَرَ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ». (همان) از طرف دیگر، تقویت ایمان در ارتقای مراتب و درجات تقوا تأثیرگذار است.

از مقایسه و بررسی آیاتی که در آنها تقوا و ارتباط کلامی به نحوی هم‌نشین شده‌اند، به دست می‌آید که همه انواع ۱۸ گانه ارتباط کلامی هم‌نشین تقوا که خود، پیامد تقوا هستند یا در تشدید تقوا مؤثرند، تحت یکی از ارتباط‌های گفتاری قرار می‌گیرند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ...»؛ (احزاب / ۷۱ - ۷۰) زیرا انواع ۱۸ گانه ارتباط کلامی یاد شده به نحوی،

یکی از انواع و مصادیق مفهوم جامع «قول سدید» هستند.

این ترکیب تنها دوبار در قرآن ذکر شده است؛ یکی آیه فوق و دیگری، در آیه ۹ سوره نساء. بررسی سیاق آیات و نیز معنای لغوی آن، بیانگر این است که نباید سدید را محدود معنا کرد؛ چون سدید در لغت به معنای «مانع مستحکم و متقن است و این معنا به حسب موضوعات در مورد هر چیزی به کار می‌رود. یکی از آن موارد سخن سدید است؛ یعنی سخنی که متقن است و مانع تشابه می‌شود». (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۵ / ۸۱ - ۸۰)

بنابراین هر یک از آیاتی که در آنها تقوا و ارتباط کلامی هم‌نشین شده‌اند، می‌توانند یکی از موارد جامع قول سدید باشند؛ چنان‌که به‌خصوص سبک سخن تحریضی و برانگیختنی در آن دسته آیاتی که ارتباط‌های کلامی پیامد تقوا بوده‌اند، بیشتر مشهود است. به نظر می‌رسد بدین جهت بوده که پیامبر ﷺ بیشتر اوقات آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» را بر منبر تلاوت می‌کرد؛ (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۲۲۴) یعنی ایشان با تأکید بر تقوا و به‌تبع آن قول سدید، در واقع به عمل به همه آموزه‌های قرآنی در گفتار و کردار ترغیب می‌نمود که تقوا در ایجاد آنها مؤثر است.

البته رابطه یا تأثیر تقوا در عمل، اعتقاد و خلق را می‌توان در آیاتی مثل موارد ذیل که حتی جامع‌تر از آیاتی هستند که قول سدید در آنها ذکر شده است، مشاهده کرد: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»، (اعراف / ۲۰۱) «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال / ۲۹) و «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا». (طلاق / ۲) این آیات که به‌صورت شرط و جزا بیان شده‌اند، برهان کاملی بر ارتباط یادشده می‌باشند که در صورت رعایت تقوا، می‌توان به تعلیم فرقان، گشایش در امور و بصیرت - که از مباحث و مسائل اخلاق عملی‌اند - دست یافت و از آنجا که هسته اصلی تقوا احتیاط است و یکی از ابعاد اصلی احتیاط، احتیاط در گفتار است. اینکه چه سخنی گفته شود تا دارای خیرخواهی، اثربخشی،^۱ کارایی^۲ و حق‌گویی و از روی بصیرت، فرقان باشد، نه از سر لجاجت، ناسزاگویی، بیهوده‌گویی و همچنین باعث گشایش در امور گردد، باید در پرتو مدیریت تقوا سامان یابد.^۳

و) تأثیرات تقوا بر ارتباطات کلامی - گفتاری

در ادامه، تأثیرات تقوا را بر ارتباطات کلامی - گفتاری بررسی می‌کنیم.

1. Effectiveness.

2. Efficiency.

۳. علت اینکه در عنوان به‌جای ارتباط کلامی، قول سدید گفته نشده، همین است که قول سدید، جامع‌تر از ارتباط کلامی است و نیز این دو آیه حتی جامع‌تر از قول سدید می‌باشند.

۱. اصلاح و کنترل پیام (بازخورد)

یکی از وظایف فرستنده پیام در الگوهای ارتباطی، بازخوردگیری و اصلاح و تغییر الگوهای زبانی و غیرزبانی در نحوه تعامل گفتاری با دیگران است. خودکنترلی درونی که در زبان دین به تقوا تعبیر شده است، موجب می‌شود انسان مؤمن هنگام برقراری یک ارتباط گفتاری، جنبه‌های اخلاقی ارتباط را ملاحظه کند و در مرحله ارزیابی نیز پس از برقراری ارتباط، در صورت نیاز به اصلاح آن را تغییر دهد. تقدم تقوا بر قول در برخی از آیات قرآن، ناظر به همین مسئله است که تقوا گفتار انسان را مدیریت می‌کند: «وَلِيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (نساء / ۹) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا * يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ...» (احزاب / ۷۱ - ۷۰)

بررسی آیات فوق نشان می‌دهد که بین تقوا و ارتباط کلامی، رابطه و پیوند علی است؛ زیرا در دسته نخست، پیامد تقوا، «قول سدید» معرفی شده است؛ چنان‌که برخی مفسران مانند مفسر ادیب زمخشری (م. ۵۳۸ ق)، (۱۴۲۱: ۳ / ۵۷۳) ابوالفتوح رازی، (م. ۵۶۰ - ۵۵۶ ق) (۱۴۰۸: ۵ / ۲۶۶ و ۱۶ / ۲۶) نیشابوری (م. ۷۳۰ ق)، (۱۴۱۶: ۵ / ۴۷۷) ابوحیان اندلسی، (م. ۷۴۵ ق) (۱۴۲۰: ۸ / ۵۳۰) ابن‌عاشور، (م. ۱۳۹۳ ق) (۱۳۸۴: ۲۱ / ۳۴۲) حسینی همدانی، (م. ۱۳۷۵ ش) (۱۴۰۴: ۱۳ / ۱۷۳ - ۱۷۲) صادقی تهرانی، (م. ۱۳۹۰ ش) (۱۳۶۵: ۲۴ / ۲۱۴ - ۲۱۳) و مکارم شیرازی در دو تفسیر نمونه (۱۳۷۴: ۱۷ / ۴۴۷) و *الأمثل* (۱۴۲۸: ۱۳ / ۳۶۶ - ۳۶۴) بدان اذعان داشته‌اند. البته نیشابوری به‌طور کلی گفته است: تقوا موجب تحصیل اخلاق فاضله می‌شود؛ (۱۴۱۶: ۵ / ۴۷۷) اما ابوحیان توحیدی به‌صراحت بیان کرده که «قول سدید از تقوا نشئت می‌گیرد و خود تقوا ناشی از خشیت است» (۱۴۲۰: ۳ / ۵۳۰) و استاد مکارم شیرازی نیز می‌گوید: در حقیقت تقوا پایه اصلاح زبان و سرچشمه گفتار حق است. (۱۳۷۴: ۱۷ / ۴۴۷)

۲. جهت‌دهی اهداف ارتباط گفتاری

ارسطو در پاسخ به این پرسش که هدف از برقراری ارتباط چیست، مسئله اقناع دیگران را طرح می‌کند. از نظر وی، هر انسانی به هدف اقناع دیگران، ارتباط برقرار می‌کند و سعی دارد از هر راه و با هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد، طرف مقابل ارتباط یا مخاطب خود را تحت تأثیر و نفوذ قرار داده، عقیده خود را به او بقبولاند. (محسنیان‌راد، ۱۳۹۰: ۳۲۸) انسان متقی در مقام اقناع دیگران هرگز دست به استفاده از هر ابزاری نمی‌زند و خویش را گرفتار هر خطای زبانی برای نیل به هدف خویش نخواهد کرد. بعد از رشد علم و ارتباطات در قرن بیستم، مسئله اهداف ارتباط از منظر شاخه‌های مختلف دانشی، مانند روان‌شناسی،

جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی بررسی شده و دیدگاه‌های مختلفی درباره اهداف ارتباط بیان شده است. (ر.ک: همان: ۳۳۰ - ۳۲۸) برخی دیگر از اهداف میانی ارتباط کلامی - گفتاری به این قرار است:

۱. ارتباط برقرار می‌کنید تا خود را بهتر بشناسید و خود را کشف کنید.
۲. ارتباط برقرار می‌کنید تا دیگران را بیشتر بشناسید و از شک و تردید درباره اطرافیاتان بکاهید.
۳. ارتباط برقرار می‌کنید تا جهان پیرامون خود را بشناسید.
۴. ارتباط برقرار می‌کنید تا دنیا را با دیگران تسهیم کنید و آنها را یاری رسانید.
۵. ارتباط برقرار می‌کنید تا آنها را مجاب کنید و تحت‌تأثیر قرار دهید یا در برابر نفوذ دیگران ایستادگی کرده، میزان آن را بسنجید.
۶. ارتباط برقرار می‌کنید تا تفریح کنید و لذت برید و از نظام خشک و انعطاف‌ناپذیر انواع دیگر ارتباط‌های یابید.^۱

در یک نگاه جامع و کلی، فرآیند تقوا به موجب خویشتن‌داری انسان که در ساحت‌های مختلف ارتباطی می‌شود، عاملیت انسان را در ذیل نیل به این اهداف ارتباطی مدیریت و ساماندهی می‌کند. انسانی که به هدف لذت و تفریح، ارتباط کلامی - گفتاری برقرار می‌کند، در صورتی که تقوا در درون وی نهادینه شده باشد، رفتارهای مناسبی در هنگام لذت و تفریح کلامی خواهد داشت و گرفتار خطاهای زبانی گفتاری، مانند غیبت، تهمت، دروغ و بدزبانی نخواهد شد.

۳. تمرکزکننده افکار و ادراک منجر به رفتار

تمرکز فکر یکی از توانایی‌های شخصیتی است که جنبه اکتسابی دارد. تمرکز را می‌توان از تمرین‌هایی در دقایق کوتاه و لحظه‌های زودگذر آغاز نمود و به تمرکز مستمر نائل شد. پایداری در انجام تمرین‌ها می‌تواند نتیجه مطلوبی به بار آورد. تمرکز فکر، موجب ذخیره نمودن قوای ذهنی است و به این ترتیب انسان می‌تواند به نوعی «اقتصاد نیروی روانی» دست یابد. این نیروی روانی به‌شدت به انسان در شکل‌گیری و برقراری یک ارتباط کلامی - گفتاری سالم و مؤثر کمک می‌کند. تجلیات تقوا در نظام دینی، مانند نماز و عبادات شخصی، منشوری هزاروجه‌اند که یک جلوه آن، تمرکز اندیشه است. پیام‌رسان مؤمن و متقی در پرتو نماز، نه‌تنها به معنویتی سرشار و عمیق دست می‌یابد، که با حضور قلب در نماز که خود تجلی تمرکز اندیشه برای یاد خدا است، می‌تواند این توانایی را به سایر بخش‌های زندگی ارتباطی خویش منتقل نماید.

۱. قابل ذکر است که موارد شش‌گانه از کتاب *The Dynamics of Human Communication* نوشته Gaile. Myers & Michele T. Myers ترجمه شده است.

۴. جلب اعتماد مخاطب پیام

اعتماد آفرینی از عواملی است که کمک زیادی به برقراری یک ارتباط خوب و سازنده می‌کند. به عبارت دیگر می‌توان گفت وقتی ما با کسی هم‌صحبت خوب و گرمی خواهیم شد که نه تنها به او اعتماد کرده باشیم، که زمینه اعتماد وی را به خود نیز ایجاد کرده باشیم. به عبارتی، هنر اعتماد آفرینی متقابل را داشته باشیم. در قرآن کریم نیز آمده که وقتی فرشتگانی به شکل ناشناس برای نابودی قوم لوط نزد ابراهیم آمدند و از خوردن غذا خودداری کردند، وی احساس بیگانگی و دلهره کرد و از گفتگوی با آنان خودداری نمود؛ ولی پس از شناسایی و دریافت بشارت از آنها، باب گفتگو را با آنان آغاز کرد:

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً * قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ. (هود / ۷۰ - ۶۹)

به تعبیر روایات، همه از دست زبان و فعل انسان متقی در امان‌اند. این امنیت موجب ایجاد اعتماد عمومی به وی می‌شود و جلب اعتماد نیز موجب برقراری یک ارتباط گفتاری مؤثر خواهد شد.

۵. پیش‌بینی‌پذیر بودن پیام‌رسان

تقوا در انسان، یک حالت پایداری را ایجاد می‌کند و این موجب می‌شود که رفتارهای ارتباطی وی قابل پیش‌بینی باشد. در انسان‌ها نیز این امر جاری است که به کسانی اعتماد می‌کنیم که پیش‌بینی‌پذیر باشند. فردی را فرض کنید که به دلایل مختلف، ارتباط کلامی - گفتاری نظام‌مندی ندارد و به تعبیر عامیانه، حساب و کتاب نمی‌پذیرد. زمانی در برابر حادثه‌ای، احساس و عکس‌العمل خوب دارد و زیبا و متعارف سخن می‌گوید و زمانی دیگر در برابر همان حادثه سخت برمی‌آشوبد و سخنانی رکیک یا خارج از عرف بیان می‌کند. این فرد برای مخاطبان خود قابل پیش‌بینی نیست و آنها نمی‌دانند این فرد در مواجهه با فلان قضیه یا فلان مسئله اجتماعی چه برخوردی خواهد کرد. تقوای درونی این هنر را داراست که عکس‌العمل‌های کلامی - گفتاری فرد را در موقعیت‌های مختلف قابل پیش‌بینی می‌کند.

(ز) تأثیرات ارتباطات کلامی - گفتاری بر تقوا

سویه دیگر این تأثیر، تأثیرات ارتباطات کلامی - گفتاری بر تقوا است که در ادامه به دو مورد اشاره می‌شود.

۱. تقویت‌کننده مجرای تحقق تقوا

زبان ابزاری برای ذکر است و ذکر نیز عامل تقویت ایمان و تقوای درونی است. هر چه انسان در ارتباط

کلامی گفتاری نیک، کوشاتر باشد و آن را به ملکه نفسانی تبدیل نماید، اعمال صالح افزایش یافته، استمرار می‌یابد و ایمان تقویت می‌شود و فرد به کمال دست پیدا می‌کند. همچنین هر چند خود گفتار نیک و اعمال صالح باهم رابطه دوسویه دارند، ثبات تقوا به پرهیز انسان از گناه و از جمله گناهان گفتاری کلامی مدد رسانده، آن ملکه را دائمی می‌گرداند؛ وگرنه انسان گاهی از گناه می‌پرهیزد و گاهی به دام گناه می‌افتد. بدین جهت، قرآن پژوهان برای تقوا - مانند غالب فضایل اخلاقی - سه درجه و مرتبه عام، خاص و اخص برشمرده‌اند. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۲ / ۱۵۵)

ذکر بیشتر در ارتباط قدسی انسان با خداوند متجلی می‌شود. گرچه ذکر لسانی نازل‌ترین مراتب آن است، (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۲۹۲) در برخی ایام و مکان‌ها - مثل ایام تشریق - دارای شرافت خاصی است: «وَأذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا أَثْمَرَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلَا أِثْمَرَ عَلَيْهِ لِمَنْ آتَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (بقره / ۲۰۳؛ و نیز حج / ۲۸) و در آیاتی نیز به ذکر کثیر و ذکر خدا در صبح و شام (احزاب / ۲۱ و ۴۱؛ انسان / ۲۵) توصیه شده است؛ با این حال باید دانست که گرچه «استمرار ذکر الهی و تداوم یاد خدا تأثیری بسزا دارد؛ لیکن اثر اخلاص ناب، بیش از اثر کثرت ذکر است». (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۱۰ / ۱۹۸ - ۱۹۶) علی علیه السلام فرمود: «من ذکر الله عزَّ و جلَّ في السرِّ فقد ذکر الله كثيراً؛ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ كَانُوا يَذْكُرُونَ اللَّهَ عِلَانِيَةً وَ لَا يَذْكُرُونَهُ فِي السِّرِّ». (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۵۰۱ ح ۲) ذکر خدا باید با تکبیر، یعنی یادکرد عظمت و کبریایی خداوند همراه باشد (حج / ۳۳) و مداومت و قیام به شرایط ذکر، سبب تقوا، (اعراف / ۱۷۱؛ انعام / ۶۹) بصیرت و بیداری، (اعراف / ۲۰۱) احساس حضور در محضر خدا، (علق / ۱۴) مانع سهو و غفلت (کهف / ۲۴) و موجب آرامش قلب می‌گردد. (رعد / ۲۸) که جایگاه تقوا است. پس موارد یادشده، ثمره ذکر است که انسان با کمک آنها در مقام عمل، وظیفه خود را به‌خوبی تشخیص می‌دهد و می‌داند که چه کند و چه بگوید و به این ترتیب، کلام و گفتار خود را مدیریت نماید.

در برخی از آیات که تقوا مؤخر از ارتباط کلامی بیان شده است، سبک سخن تحریضی و برانگیختنی است؛ یعنی استوار نمودن فرمان نیکو بر تقوا. به عبارت دیگر، پیامد آن مؤلفه کلامی - گفتاری تقوا است؛ چنان که برخی مفسران مانند شیخ طوسی (م. ۴۶۰ ق) و به‌طور واضح‌تر علامه طباطبایی (م. ۱۳۶۰) در تفسیر آیه ۱۷۷ بقره، تقوا را برآیند خصلت‌های یاد شده در آیه، چون برّ و صدق دانسته‌اند که در صورت کمال آنها، تقوا به دست می‌آید. (طوسی، بی‌تا: ۲ / ۹۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱ / ۴۳۰) همچنین آهسته کردن صدا در برابر رسول خدا صلی الله علیه و آله موجب وعده به مؤمنان شده که خداوند دل‌هایشان را برای تقوا تمرین داده است تا قابلیت آن را بیابند و تقوا خلق آنان گردد. (همان: ۱۸ / ۳۱۰؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۵ / ۲۶۸؛ خطیب، بی‌تا:

۱۳ / ۴۳۷ - ۴۳۶) ابن‌عاشور (م. ۱۳۹۳ ق) آن را از جهت ادبی چنین تحلیل کرده است: «لام در لَتَّقُوا جزاء اتقیا شوند». (۱۳۸۴ ق: ۲۶ / ۱۸۶)

در قرآن کریم، خداوند دو وسیله برای امنیت از عذاب الهی برشمرده است: وجود و حضور پیامبر و دیگر استغفار عمومی. (انفال / ۳۳) لذا بعد از رحلت پیامبر اسلام تا وقتی همه مردم استغفار نمایند، از عذاب عمومی دنیوی در امان خواهند بود؛ زیرا استغفار بنا به فرمایش حضرت ﷺ بهترین عبادت است: «الْإِسْتِغْفَارُ وَقَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خَيْرُ الْعِبَادَةِ». (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۵۰۵ / ح ۶) پایین‌ترین درجه استغفار، استغفار زبانی است که آن هم مقدمه امنیت از عذاب است. در آیات: «الَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ... الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا أَمَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» (آل عمران / ۱۷ - ۱۵؛ نیز ذاریات / ۱۸ - ۱۵) که اوصاف تقواییان از جهت اعتقادی، اخلاقی و عبادی به تصویر کشیده شده، از جمله اوصاف آنها، مصادیقی از ارتباط کلامی گفتاری است که در ارتباط قدسی خود با خداوند متجلی می‌نمایند. اعم از اینکه درباره خود و یا دیگران باشد. با اظهار ربوبیت و استغفار برای خود: «الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا...» و نیز با استمرار استغفار در سحرگاهان: «وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» که به تعبیر روایات نماز شب مصداق کامل آن است، خواستار برآورده شدن حاجات دیگران می‌باشند؛ زیرا «يَقُولُونَ» و «الْأَسْحَارِ» نشان از استمرار این شیوه و سیره گفتاری اهل تقوا و نهادینه شدن تقوا در آنان دارد. بنابراین استغفار دائمی تقواییان برای خود و دیگران را می‌توان جمله ارتباط کلامی با خداوند دانست که موجب تقویت تقوا می‌شود.

۲. تقویت زمینه‌شناختی تقوا

همان‌طور که تقوا موجب بالا رفتن شناخت و معرفت در انسان است،^۱ شناخت و معرفت نیز در رشد و تقویت تقوا مؤثر است. زبان و گفتار همان‌طور که ابزار ارتباط است، ابزار کسب معرفت نیز هست. انسان با برقراری ارتباط کلامی گفتاری است که می‌تواند توان شناختی خویش را نسبت به راه‌های کسب تقوای درونی، موانع رشد تقوا و ... بالا برد.

۱. روایات زیادی به این مسئله اشاره دارد؛ مانند سخن پیامبر اسلام ﷺ که فرمود در توصیه‌های حضرت خضر به موسی ﷺ آمده است: «يَا مُوسَى وَظَنَّ نَفْسَكَ عَلَى الصَّبْرِ تَلَقَّ الْجَلْمَ وَأَشْعَرَ قَلْبِكَ التَّقْوَى تَنَلَّ الْعِلْمَ وَرَضَّ رَوْضَ نَفْسِكَ عَلَى الصَّبْرِ تَخْلَصَ مِنَ الْأَثْمَرِ؛ ای موسی جان خود را آماده صبر کن تا به حلم و بردباری رسی، تقوا را در قلب خویش جای ده تا به علم و معرفت دست یابی، نفس خویش را با صبر، ریاضت ده تا از گناه نجات یابی». (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱ / ۲۲۷)

امام علی علیه السلام در تعبیری به کمیل هر حرکت انسانی را مشروط به معرفت دانسته، می‌فرماید:

یا کمیل ما من حركة الا و انت محتاج فیها الی معرفة. (مجلسی، ۱۴۰۴، ۷۴ / ۲۶۷)

ای کمیل هیچ حرکتی و فعلیتی نیست، مگر آنکه تو در انجام آن به علم و معرفت نیاز داری.

زبان و برقراری ارتباط کلامی گفتاری، می‌تواند زمینه‌های شناخت از مؤلفه‌های تقوای درونی و کسب این مؤلفه‌ها را فراهم آورد.

نتیجه

بررسی آیاتی که در آنها تقوا و ارتباط کلامی همنشین شده‌اند، نشان می‌دهد که تقوا و ارتباط کلامی، رابطه دوسویه و همبستگی متقابل دارند؛ بدین معنا که با توجه به ذومراتب بودن هر دو، مرتبه‌ای از تقوا می‌تواند باعث استغفار دائمی برای خود و دیگران، شکرگزاری، گفتار سدید، عدم تکذیب آیات الهی و نزول برکات، خاضعانه سخن نگفتن زنان با غیرمحارم، آهسته سخن گفتن در حضور رسول صلی الله علیه و آله، اصلاح بین دیگران، اجتناب از ظن و تجسس و غیبت، تناجی به برّ و تقوا و اجتناب از گفتار لغو و تکذیب یکدیگر در بهشت گردد. ارتباط‌های کلامی گفتاری: وفای به عهد، صداقت در گفتار، ذکر خداوند، به سخریه نگرفتن دیگران با چشم‌داشت به آخرت، املائی معامله به‌دست مدیون، عدالت در گفتار، عدم صدور حکم برخلاف حکم خدا و رسول صلی الله علیه و آله باعث ایجاد و تقویت و تشدید تقوا می‌شوند.

تجلیات تقوا در نظام دینی مانند نماز و عبادات شخصی، منشوری هزاروجه‌اند که یک جلوه آن، تمرکز اندیشه است. تقوا با اصلاح و کنترل پیام و هدایت اهداف رفتاری ارتباط کلامی گفتاری، این نوع ارتباط را بهینه کرده، بهره‌وری از آن را بالا می‌برد. پیام‌رسان متقی در پرتو تقوای درونی، با تقویت تمرکز درونی و اندیشه‌ای خویش، این توانایی را به سایر بخش‌های زندگی ارتباطی خویش، منتقل نموده، زمینه ارتباط کلامی مؤثر و اثربخش را فراهم می‌کند. امنیت روانی مخاطبان نسبت به انسان با تقوا که برآمده از تقوای رفتاری گفتاری وی است، موجب ایجاد شدن اعتماد عمومی به وی می‌گردد و جلب اعتماد نیز موجب برقراری یک ارتباط گفتاری مؤثر خواهد شد. از سوی دیگر، تقوای درونی این هنر را دارد که عکس‌العمل‌های کلامی گفتاری فرد را در موقعیت‌های مختلف قابل پیش‌بینی کند. زبان و ارتباط گفتاری نیز تأثیرات زمینه‌ای در تقوا دارد؛ زبان ابزاری برای ذکر است و ذکر نیز عامل تقویت ایمان و تقوای درونی است. به علاوه اینکه، زبان و برقراری ارتباط کلامی گفتاری، می‌تواند زمینه‌های شناخت از مؤلفه‌های تقوای درونی و کسب این مؤلفه‌ها را فراهم آورد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۴ م، *التحریر والتنوير*، القاهرة، مطبعة عيسى البابي الحلبي.
۳. ابن منظور، محمد بن مكرم، ۱۴۲۶، لسان العرب، بيروت، دارالمعارف.
۴. ابوحيان اندلسی، محمد بن يوسف، ۱۴۲۰ ق، *البحر المحيط فی التفسیر*، بيروت، دارالفکر.
۵. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۶، *چهل حدیث*، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ج ۱۲.
۶. بیضاوی، ناصرالدین عبدالله، ۱۴۱۸ ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بيروت، دار إحياء التراث العربی.
۷. ثعالی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۸ ق، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بيروت، داراحیاء التراث العربی.
۸. جرجانی، ابوالمحاسن الحسین، ۱۳۳۷، *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان*، معروف به *تفسیر گازر*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *مفاتیح الحیاة*، تحقیق و تنظیم محمدحسین فلاح‌زاده و همکاران، قم، اسراء.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۲، *تسنیم*، تحقیق و تنظیم محمد فراهانی و حسین اشرفی، قم، نشر اسراء.
۱۱. حسینی سرشت، سید محمدصادق، ۱۳۸۸، «مقتضیات اخلاقی تقوا در آینه قرآن و سنت»، *مجله اخلاق*، ش ۱۷، ص ۵۵ - ۵.
۱۲. حسینی همدانی، محمدحسین، ۱۴۰۴ ق، *انوار درخشان*، تهران، انتشارات کتابفروشی لطفی، چ ۱.
۱۳. خطیب، عبدالکریم، بی تا، *التفسیر القرآنی للقرآن*، بی جا، بی نا.
۱۴. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۵. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۰ م، *التفسیر الكبير أو مفاتیح الغیب*، بيروت - لبنان، دارالکتب العلمیة.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م، *المفردات فی غریب القرآن*، بيروت، انتشارات دار العلم الدار الشامیة، چ ۱.
۱۷. زحیلی، وهبة بن مصطفى، ۱۴۱۸ ق، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، بيروت - دمشق، دارالفکر المعاصر.
۱۸. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م، *الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، تحقیق عبدالرزاق المهدي، بيروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی، چ ۲.

۱۹. سمرقندی، نصر بن محمد، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۳ م، بحر العلوم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۰. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، ۱۴۰۴ ق، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، ناشر کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
۲۱. الشرتونی، رشید، ۱۳۷۲، مبادئ العربیة فی الصرف و النحو، ترجمه سیدعلی حسینی، قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم.
۲۲. صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.
۲۳. طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۷۲، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چ ۵.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت - لبنان، دارالفکر.
۲۵. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة.
۲۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تحقیق احمد الحسینی، تهران، انتشارات کتابفروشی مرتضوی.
۲۷. طوسی، ابو جعفر محمد، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۲.
۲۸. طیب، عبدالحسین، ۱۳۷۸، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چ ۲.
۲۹. غزالی، ابو حامد محمد بن محمد، بی تا، إحياء علوم الدین، بیروت - لبنان، دارالقلم، چ ۳.
۳۰. غیاثی کرمانی، سید محمودرضا، ۱۳۸۷، حکمت عملی «اقتباس از اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی»، در بخش تهذیب نفس اداره منزل و اجتماع از دیدگان خواجه نصیرالدین الطوسی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. فراء، ابوزکریا، بی تا، معانی القرآن، مصر، دارالمصریة للتألیف والترجمة.
۳۲. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۹۵ الف، اخلاق حرفه‌ای، قم، انتشارات مجنون، چ ۹.
۳۳. _____، برخوردار، زینب و فائزه موحدی، ۱۳۹۵ ب، اخلاق حرفه‌ای در مدرسه، تهران، مؤسسه خیریه آموزشی، فرهنگی شهید مهدوی.
۳۴. فرهنگ، علی اکبر، ۱۳۷۴، ارتباطات انسانی، تهران، اسوه.
۳۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۹۹۸، القاموس المحیط، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۶. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۳۷۲، المحجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، راه روشن، ترجمه سید محمدصادق عارف، مشهد، آستان قدس رضوی.
۳۷. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۸ ق، الأصفی فی تفسیر القرآن، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۸. فیومی، احمد، ۱۴۱۴ ق / ۱۳۷۲، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، دارالهجرة.
۳۹. قرشی، علی اکبر، ۱۳۵۲، قاموس قرآن، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

۴۰. قرطبی انصاری، ابو عبدالله محمد، ۱۴۲۷ ق / ۲۰۰۶ م، *الجامع لأحكام القرآن*، محقق عبدالله التركي، بیروت - لبنان، ناشر مؤسسة الرسالة، ج ۱.
۴۱. کلنتر، جان. دابلیو، ۱۳۷۶، *ارتباط گفتاری میان مردم*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۴۲. کلینی، ابوجعفر محمد، ۱۳۶۵ ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۳. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، *بحار الانوار*، بیروت - لبنان، مؤسسة الوفاء.
۴۴. محسنیان راد، مهدی، ۱۳۹۰، *ارتباط شناسی*، تهران، انتشارات سروش.
۴۵. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۶، *ده گفتار*، قم، انتشارات صدرا، ج ۲۴.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ج ۳.
۴۸. _____، ۱۴۲۸ ق، *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۴۹. آل غازی، ملاحویش، عبدالقادر، ۱۳۸۲، *بیان المعانی*، دمشق، مطبعة الترقی.
۵۰. میلر، جرالد، ۱۳۸۵، *ارتباط کلامی*، تهران، انتشارات سروش.
۵۱. نیشابوری ملقب به نظام نیشابوری، حسن بن محمد بن حسین قمی، ۱۴۱۶ ق، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵۲. ورام المالکی الاثیری، ابوالحسین ورام، ۱۳۷۸، *تنبيه الخواطر و نزاهة النوادر المعروف بمجموعة ورام*، تهران، مرکز فرهنگي انتشاراتي رایحه.